



در آن به وجود آمد. همچنین قرار شد سپاه پاسداران دارای دو مدل لباس کار یا رزم و لباس معمولی و یونیفرم باشد.

■ پس از اینکه بنی صدر رئیس جمهور و جانشین فرمانده کل قوا شد، اختلافاتی بین سپاه و بنی صدر به وجود آمد. دلایل بروز این اختلافات چه بود؟

بنی صدر به دنبال این بود تا سپاه در اختیار خودش باشد. سپاه هم به دو دلیل نمی خواست اینگونه شود. اول اینکه تفکر بنی صدر با تفکر سپاه جور در نمی آمد و متفاوت بود. دوم اینکه ما معتقد بودیم وصل به ولی فقیه هستیم، کما اینکه همین طور هم بود. اکنون نیز کانال اصلی سپاه، ولایت فقیه است. ولی فقیه است که ما را در خیلی جاها ارشاد و هدایت می کند. به همین دلیل در اساسنامه سپاه قید شده است که فرمانده کل سپاه را مقام معظم رهبری تعیین می فرماید. عزل و نصب آن با ایشان است و با دولت نیست.

بنابراین بنی صدر به دلیل تفکری که داشت، سه گروه با او برخورد داشتند. گروهی که از اروپا یا او آشنا بودند. گروهی که اینجا با تفکر او آشنا شدند و گروه عام که اطلاعات چندانی نداشتند. در سپاه گروهی که با بنی صدر در اروپا بودند امثال آقای فرزین، آقای محمودزاده، تا حدودی آقای حسین شریعتمداری و شاید مقدار زیادی بنده بودیم. ما از جمله کسانی بودیم که از اتحادیه انجمن های اسلامی با بنی صدر آشنا بودیم و تفکر بنی صدر را می دانستیم. بنی صدر تفکر لیبرالی داشت و می خواست همه جا تحت سلطه خودش باشد. بنی صدر نمای اسلامی داشت، اما اعتقادات دینی اش ضعیف بود.

یک بار جلسه سران سپاه داشتیم. من مسئول جلسه بودم. بنی صدر هم آمد. ما اجازه ورود به محافظانش ندادیم و او خیلی ناراحت شد. محافظان بنی صدر از افراد سابق گارد نخست وزیری بودند و ما معتقد بودیم که این افراد نباید به داخل سپاه بیایند. البته به او گفتیم که ما خودمان محافظ شما هستیم، اما او خیلی ناراحت شد. در جلسه در خصوص فرمانده لایق سخنرانی کرد و اشاراتی هم به نهج البلاغه داشت.

من در آن جلسه گفتم که آقای بنی صدر این تصویری که شما از فرمانده برای ما ترسیم کردید، چیزی است که در نهج البلاغه است و ما هم مخالف آن نیستیم. اما بحث کنونی ما این است که دو تفکر وجود دارد. نخست تفکری که برگرفته از اندیشه غرب است که دلش می خواهد رئیس جمهور باشد، مقام داشته باشد و سری در بین سران داشته باشد، البته یک نمای اسلامی هم داشته باشد. این تفکر ما را به آنجا می کشاند که پنجاه سال دیگر با سران کشورهای غرب همنشین شویم و در نهایت زیر یوغ آنها برویم. این تفکر مبتنی بر اسلام ناب نیست.

تفکر دوم، تفکر به خدا پیوسته حضرت امام است که همان خط ولایت است. مردم تفکر دوم را می خواهند. در ادامه گفتم که ما فرماندهای می خواهیم که هرچه امام و ولایت فرمود، بگویند: چشم. به اینجا که رسیدم، حضاران بلند تکبیر گفتند. بنی صدر که فهمید فضا ناجور شده است، بنده را مسخره کرد و گفت این همان تفکر التقاطی است. در نهایت او نتوانست فرماندهی برای ما انتخاب کند و از آن جلسه اختلافات سپاه با بنی صدر آشکارتر شد. بنی صدر تا آن موقع یک مقدار رودریاستی داشت، اما از آن جلسه آن را هم کنار گذاشت.

فرایند شکل گیری سپاه یک فرایند عملیاتی - ستادی طولانی بود که نمی خواستیم درگیری با جایی به وجود بیاید. انتخاب افراد هم بایستی حساب شده صورت می گرفت. به همین منظور مجموعه ای به نام دفتر هماهنگی درست کردیم. افرادی که در این دفتر حضور داشتند ارزیابی و شناسایی نیروها را در تهران و شهرستان ها انجام می دادند



● ما می گفتیم چون سپاه متعلق به اسلام است و اسلام هم جهانی است، پس در آرم نباید نام ایران باشد. بالاخره پس از بحث ها و گفت وگوهای بسیار مصوب شد که عنوان «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» در آرم باشد، اما در اساسنامه واژه «ایران» هم به آن اضافه شد

است و اسلام هم جهانی است، پس در نوشته نباید نام ایران باشد. بالاخره پس از بحث ها و گفت وگوهای بسیار مصوب شد که عنوان «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» در آرم باشد، اما در اساسنامه واژه «ایران» هم به آن اضافه شد. بنابراین اساسنامه اصلی که مصوب مجلس شورای اسلامی است، به نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران است.

در خصوص لباس پاسداران هم باید بگویم که لباس اولیه با لباس کنونی فرق هایی دارد. آن لباس ها مقداری ساده تر و عمومی تر بود، اما باتوجه به اینکه قرار بود آن لباس، لباس رسمی سپاه شود، تغییراتی

در آن دوره پیش بینی خاصی نداشتیم. به دنبال چیز خاصی هم نبودیم. بالاخره هر کدام تجربیاتی داشتیم و هر کس کاری که می دانست درست است، انجام می داد. بنده در زمینه تبلیغات و انتشارات و مسائل گویندگی و کارهای فرهنگی بیشتر اطلاعات داشتم. آقای ابوشریف اطلاعات عملیاتی داشت. آقای منصوری بیشتر اطلاعات ایدئولوژی و سازماندهی و اینها داشت. به هر تقدیر هر کدام از ما اطلاعات و آن تجربیات گذشته خودمان را جمع کردیم و طی جلسات بسیار زیاد و طولانی سپاه را سازماندهی کردیم.

■ دلیل انتخاب شما به مسئولیت روابط عمومی سپاه چه بود؟
با توجه به اینکه بنده سابقاً کار سازمانی در چهارچوب کارهای فرهنگی انجام داده بودم و با توجه به اینکه کار چریکی انجام نداده بودم، در این سمت منصوب شدم. خیلی از افراد مصاحبه می کنند و می گویند که آنها فرمانده سپاه بودند. این برای آن زمانی است که در هر گوشه ای سپاهی ایجاد شده بود.

■ آرم سپاه را شما طراحی کردید؟
آقای منصوری گفته است شهید یوسف کلاهدوز این آرم را طراحی کرد، اما فکر می کنم به دلیل تشابه اسم من با شهید کلاهدوز دچار اشتباه شده است. من آرم سپاه را طراحی کردم. برادرانی در کنار ما بودند که طراحی بلد بودند، مثلاً آقای عادل نامی بود که الان نمی دانم کجاست. او این آرم و چند طرح دیگر را طراحی کرد. بنده و شهید کلاهدوز با هم مشورت کردیم و خصوصیات سپاه را به آقای عادل گفتیم که بر اساس این ویژگی ها آرم را طراحی کرد. طرح اولیه، طرح دستی بود که در دستش اسلحه است و «لا» ی معروف اسلام (لااله الاالله) در آن بود که طرحی از قرآن بود. آیه نیز در ادامه به آرم اضافه شد. برگ زیتون بیان می کند که ما با وجود اینکه مبارز هستیم، به حقوق کسی تجاوز نمی کنیم چرا که برگ زیتون نماد صلح است. کره زمین بعدها اضافه شد. سر اضافه کردن این کره زمین بحث های زیادی در مجلس مطرح شد. عده ای اعتقاد داشتند که با اضافه شدن کره زمین به آرم ما اعلام می کنیم که با تمام کشورها قصد جنگ داریم. یک عده مانند آقای هاشمی اعتقاد داشتند که اضافه شدن کره زمین جنبه سیاسی پیدا می کند، اما من و آقای محمودزاده در دفاع می گفتیم که باید نشان دهیم اسلام دینی فراگیر و جهانی است. آقای بشارتی هم از این آرم دفاع کرد.

همچنین در آرم سپاه، «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» نوشته شده است. زمانی که قرار بود آرم در مجلس شورای اسلامی تصویب شود، عده زیادی از نمایندگان گفتند که این نوشته باید به «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران» تغییر یابد. ما معتقد بودیم که واژه «ایران» نباید باشد، چرا که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سپاه اسلام است و اسلام نیز محدود به ایران نیست. آن عده از نمایندگان می گفتند پس اگر این گونه است این موضوع یک بحث سیاسی است و ایجاد بحث سیاسی مبنی بر اینکه سپاه به طور مستقیم در همه جا دخالت کند، مشکل درست می کند.

مدتی روی این موضوع بحث شد. نمایندگان می گفتند اسلام جهانی است، اما سپاه پاسداران ایرانی است. اصل حرفشان درست بود و ما با آن مخالفتی نداشتیم، اما می گفتیم چون سپاه متعلق به اسلام